«فرهیختگان» منتشر می‌کند: جزئیات مهم اشتغال کسانی که مدرک دانشگاهی دارند

بیکاری بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دهک‌های پایین

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به یکی از زخم‌های کهنه نظام آموزش عالی تبدیل شده است. از اواسط دهه ۹۰ تلاش می‌شد مسئولان آموزش عالی اقدام به بررسی دقیق‌تر و انتشار گزارش‌ها و برنامه‌ریزی آموزش عالی عهده‌دار آن شد. براساس تجارب جهانی وضعیت رصد اشتغال دانش‌آموختگان در دنیا بر اساس سه روش پیمایش ملی ثبتی، پیمایش‌های ملی و پیمایش‌های انفرادی انجام می‌شود. در ایران هم بررسی ایـن حوزه به کمک داده‌های ثبتی انجام می‌شود. آخرین گزارش رصد اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی ایران که زمستان سال گذشته از سوی این موسسه منتشر شد و جامعه هدفش بررسی میزان اشتغال ۶۸۸ هزار و ۲۰۸ دانش‌آموخته سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود از منابع اطلاعاتی مربوط به آموزش عالی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و پایگاه آماری رفاه ایرانیان که خود شامل ۲۲ پایگاه ملی داده اعم از صندوق تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی و... می‌شود، استفاده شده است. «فرهیختگان» پیش‌تر در گزارشی با عنوان «خوشخبتی کاروان‌ها» که ۲۸ دی سال‌گذشته منتشر شد به بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در بازه زمانی مهر سال ۹۶ تا شهریور سال ۹۷ با به تفکیک مقطع تحصیلی و رشته‌ها در مقاطع گوناگون، مناطق تحصیلی دانشگاه‌های دولتی پرداخت بود. در گزارش پیش رو هم بنا داریم وضعیت اشتغال پیش از ۶۰۰ هزار دانش‌آموخته را از لحاظ زیر نظام‌های آموزشی، استانداردهای یونسکو، شرایط اشتغال در استان‌های مختلف را موردبررسی قرار دهیم.

۴۲ درصد از فارغ‌التحصیلان ۹۷ شاغل شدند

شاید ابتدای کار بد نباشد بدانیم از ۶۸۸ هزار و ۶۷۸ نفر، تنها ۲۹۳ هزار و ۲۰۸ نفر یا به عبارت دقیق‌تر ۴۲٫۵۸ درصدشان شاغل بوده و ۵۷٫۴۲ درصدشان را جمعیت غیرشاغلان تشکیل می‌دهد. همچنین اگر بخواهیم از سهم ۴۸٫۶ درصدی اشتغال دانش‌آموختگان مرد و ۳۲٫۷۱ درصدی زن که جامعه هدف این گزارش هستند که بگذریم؛ باید عنوان کرد سهم اشتغال در میان دانش‌آموختگان مجموع دانشگاه‌های دولتی ۰٫۱۳ درصد بیشتر از غیردولتی‌هاست، یعنی از جمعیت ۳۷۸ هزار و ۲۳۷ دانش‌آموخته دانشگاه‌های دولتی، ۱۶۱ هزار و ۲۳۱ نفرشان یا ۴۲٫۶۳ درصدشان، توانسته‌اند کار پیدا کنند. درصدی که در دانشگاه‌های غیردولتی از میان ۳۱۰ هزار و ۴۴۱ نفر به ۴۲٫۵۱ درصد رسیده بود. اما این آمار نیازمند دقت بیشتری است که در ادامه عبارت واکاوی قرار گرفته است.

اشتغال بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد نسبت به دولتی‌ها

طبیعتا تصور جامعه این است که دانشگاه محل تحصیل، می‌تواند تضمین‌کننده، آینده شغلی باشد و در این میان رسیدن به صندلی دانشگاه‌های به نام دولتی، به‌عنوان یکی از سیرهای امن برای آینده شغلی محسوب می‌شود اما بررسی وضعیت ریزنظام‌های آموزشی در حوزه اشتغال نتیجه دیگری را نشان می‌دهد. دانشگاه فرهنگیان در رتبه اول میزان اشتغال فارغ‌التحصیلانش قرار دارد که موضوع جذبش در ادامه خواهد آمد. در سال تحصیلی ۹۷-۹۶، گروه علوم پزشکی بیشترین سهم اشتغال را با سهم ۶۲٫۷۵ درصدی شاغلان به نسبت جمعیت دانش‌آموختگی آن سال به خود اختصاص داد، یعنی از مجموع حدود ۹۴ هزار نفر آیین رشته، ۲۴ هزار و ۵۱۵ نفرشان در همان سال وارد بازار کار شدند. علوم انسانی گروه دومی است که بیشترین میزان اشتغال را دارد؛ گروه آزمایشی که شاید تا چند سال پیش، تصور درستی از بازار کار فارغ‌التحصیلان آن وجود نداشت. از بین ۶۴۴ هزار و ۷۱۷ نفری که در رشته‌های مختلف این گروه دانش‌آموخته شدند، ۱۵۵ هزار و ۸۳۵ نفرشان یا معادل ۲۴٫۱۵ درصدشان توانستند در زمره جمعیت شاغل قرار بگیرند.

مزیت برای فارغ‌التحصیلان آن به شمار رود، اما سهم ۵۹٫۷۱ درصدی بیکاری درمیان دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها نشان می‌دهد آنها نتوانسته‌اند آن‌طور که باید تضمین‌کنند، شغل‌های جامعه هدف خود باشند. موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانیم کل دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها در آن سال، شش هزار و ۱۲۸ نفر بوده که از این میان فقط دو هزار و ۷۷۷ نفرشان توانستند وارد بازار با پایان تحصیل شان برای خود درآمد داشته باشند.

رسیدن به بازارکار از غیرانتفاعی‌ها؛ کمتر از ۴۰ درصد

غیرانتفاعی‌ها هم یکی دیگر از ریزنظام‌هایی هستند که هر چند تنها ۲۱ هزار و ۲۹۶ نفر از جمعیت ۶۱ هزار و ۸۱۸ نفری آنها توانستند راهی بازار کار شوند و این نشان‌دهنده نسبت ۳۴٫۶۱ درصدی شاغلان به دانش‌آموختگان و یا به عبارت دیگر ۶۵٫۳۹ درصد آنها در زمره جمعیت بیکار تعریف می‌شوند. جالب اینجاست که این موسسات بعضا اسنادرده‌های لازم را هم برای تربیت نیروی انسانی نداشته و اخیرا هم روح‌الله رازینی، مدیرکل نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم به این مهم صحه گذاشته شده است.

بیش از ۶۶ درصد از فارغ‌التحصیلان دولتی بیکارند!

قطعا تحصیل در دانشگاه‌های مطرح دولتی کشور تا سال‌ها به عنوان یکی از امتیازات ویژه دانشجویان این مراکز به شمار می‌رفت. دانشگاه‌هایی که برخی هایشان مانند برخی ازواحدهای دانشگاه آزاد در رنکینگ‌های جهانی حرفی برای گفتن دارند، اما حتی تحصیل در دانشگاه‌های دولتی هم نمی‌تواند خیال دانشجویانی که با لاخره در زمره فارغ‌التحصیلان قرار می‌گیرند را راحت کند. به زبان ریاضی از میان ۱۰۱ هزار و ۳۳۷ فارغ‌التحصیل آن سال، تنها ۳۴ هزار و ۹۳ نفرشان توانستند همان سال به بازار کار برسند. درحقیقت نسبت شاغلان به دانش‌آموختگان این دانشگاه به ۳۳٫۷۵ درصد و نسبت بیکاری در این زیرنظام هم ۶۶٫۲۵ درصد اعلام شده است.

اصلی‌ترین دانشگاه غیرحضوری ایران در جایگاه هشتم ایجاد اشتغال

دانشگاه پیام نور که از همان ابتدا بر مبنای دانشگاه غیرحضوری تاسیس شده بود امارتبه هشتم را در ایجاد اشتغال دارد. به طوری که از میان ۷۲ هزار و ۹۶۵ فارغ‌التحصیل آن سال تنها ۲۴ هزار و ۲۰۹ نفرشان توانستند راهی بازار کار شوند، رقمی که معادل ۳۳٫۴۵ درصد از دانش‌آموختگان می‌شد. این در حالی است که بخشی از شاغلان به‌دلیل ویژگی غیرحضوری بودن این دانشگاه، اولویت‌شان تحصیل در آن خواهد بود و اگر بگوییم بخشی از فارغ‌التحصیلان آن حتی در ایام تحصیل هم به‌نوعی درزمره شاغلان محسوب می‌شوند، بیراه نگفته‌ایم. با این حال آمار اشتغال آن‌طور که انتظار می‌رفت، قابل قبول نیست.

موضوع قابل تامل اینکه دانشگاه فنی و حرفه‌ای که رسالت اصلی‌اش آموزش مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار است، در این بخش در جایگاه‌نهم و پایین‌تر قرار دارد. اتفاقی که نشان می‌دهد این دانشگاه که اصلی‌ترین هدف برای تحصیل درآن، آموختن لازم‌ها برای رسیدن به شغل است، امادر عمل نتوانسته این مهم رابرآورده کند. از میان ۲۰ هزار و ۴۹۶ فارغ دانش‌آموخته این دانشگاه درسال تحصیلی ۹۷-۹۶ تنها ۸ هزار و ۷۷۵ نفرشان که به زبان آمار معادل ۲۱٫۶۷ درصدشان می‌شد، توانستند برای خود شغلی پیدا کنند. موضوع جالب اینجاست که بر اساس گزارشی که سال گذشته از سوی وزارت علوم نسبت به میزان اشتغال مقاطع مختلف تحصیلی منتشر شده بود، میانگین وزنی درصد اشتغال در مقطع کاردانی در ۶۵ اعلام شد، اما این دانشگاه که تنها مقطع آن هم کاردانی است، حتی در همین زمینه هم نتوانست امتیاز قابل قبولی را به‌دست آورد.

نیمی از علمی‌کاربردی‌ها مشغول به کارند

بعد از دانشگاه‌های وزارت بهداشت و در رتبه سوم هم دانشگاه جامع علمی کاربردی قرارگرفته است. دانشگاه جامع علمی کاربردی با سهم ۵۱٫۳۱ درصدی در ورود توانسته اند رده سوم ایجاد اشتغال را از بازار کار به خود اختصاص دهند. شاید در وهله اول این نگاه به این آمار که از میان ۱۰۶ هزار و ۷۱۶ دانش‌آموخته این دانشگاه ۵۴ هزار و ۷۵۳ نفرشان به شغل رسیده‌اند، قابل توجه باشد، اما اگر ماموریت دانشگاه را عملاک قرار داده و بدانیم این زیرنظام آموزشی از همان ابتدا با هدف ارتقای سطح مهارت شاغلان بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان تشکیل شده بود، باین حال باز هم ۴۸٫۹۹ درصد از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه نمی‌توانند راهی بازار کار شوند. البته برای درک بهتر این مساله کافی است به ریزش قابل توجه تعداد واحدهای این دانشگاه و رسیدن آن از هزار و ۸۰ مرکز به کمتر از ۶۰۰ واحد هم توجه کرد، موضوعی که نشان می‌دهد اقبال جامعه به تحصیل در این دانشگاه کاهش پیدا کرده است.

۴۵ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد سرکار رفتند

جایگاه بعدی به دانشگاه آزادمی‌رسد که پیش از دانشگاه‌وابسته به سایر دستگاه‌های اجرایی قرار دارد. وضعیت اشتغال در دانشگاه آزاد باعث شده این بازوی آموزشی کشور که یکی اززیرنظام‌های مهم نظام آموزش عالی به‌شمار می‌رود، از میان ۲۴۸ هزار و ۲۳۳ فارغ‌التحصیل آن سال، ۱۱۰ هزار و ۵۸۱ نفرشان به بازار کار برسند، تعدادی که معادل ۴۴٫۴۸ درصد از جمعیت کل دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد می‌شد. درواقع دانشگاه آزاد پس از دانشگاه فرهنگیان با شرایط خاص استخدام، دانشگاه علوم پزشکی با طیف خاصی از دانشجو و دانشگاه علمی کاربردی نخستین دانشگاه جامعی است که سهم اشتغال فارغ‌التحصیلان موسسات غیرانتفاعی آنها را در جایگاه ششم قرار داده و رتبه هفتم هم در اختیار دانشگاه‌های وزارت علوم است. شاید دراین بین، هیچ چیز به اندازه وضعیت دانشگاه فنی وحرفه‌ای در حوزه اشتغال عجیب به‌نظر نمی‌رسد که انتهای جدول درکنار دانشگاه پیام نور جاخوش کرده‌است. با وجود اینکه دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی رتبه پنجم را در اختیار داشته و توانسته‌اند ۲۰٫۹ درصد از جمعیت دانش‌آموخته خود را راهی بازار کار کنند، اما نمی‌توان این واقعیت را هم نادیده گرفت که بخش قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها در همان دستگاه‌های اجرایی جذب می‌شوند، هرچند این مساله می‌تواند یک

علوم پزشکی و علوم انسانی؛ مسیر مطمئن‌تر برای رسیدن به بازارکار

طبیعتا گروه تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی می‌تواند تا حد زیادی تصویر روشنی از آینده شغلی در اختیار دانشجو قرار دهد. رشته‌هایی که جامعه هم تا حد زیادی به شناخت از آنها رسیده و ترب و تاب بالا برای پزشک شدن را باید مصداق بارزی برای آن دانست. در سال تحصیلی ۹۷-۹۶، گروه علوم پزشکی بیشترین سهم اشتغال را با سهم ۶۲٫۷۵ درصدی شاغلان به نسبت جمعیت دانش‌آموختگی آن سال به خود اختصاص داد، یعنی از مجموع حدود ۹۴ هزار نفر آیین رشته، ۲۴ هزار و ۵۱۵ نفرشان در همان سال وارد بازار کار شدند. علوم انسانی گروه دومی است که بیشترین میزان اشتغال را دارد؛ گروه آزمایشی که شاید تا چند سال پیش، تصور درستی از بازار کار فارغ‌التحصیلان آن وجود نداشت. از بین ۶۴۴ هزار و ۷۱۷ نفری که در رشته‌های مختلف این گروه دانش‌آموخته شدند، ۱۵۵ هزار و ۸۳۵ نفرشان یا معادل ۲۴٫۱۵ درصدشان توانستند در زمره جمعیت شاغل قرار بگیرند.

احتمال بیکار ماندن فارغ‌التحصیلی هنر ۷۶ درصد

سه گروه بعدی رابابد به‌تفکیک دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی با سهم اشتغال ۳۵٫۲۱ درصد، علوم پایه با ۳۴٫۷۷ درصد و هنر با ۲۳٫۲۵ درصد دانست. نکته قابل تامل این است که گروه‌های ۶۴٫۳۱ درصد می‌شود، به بازار کار رسیده‌اند. اتفاقی که نشان می‌دهد دانشجویان این مقطع با هدف‌گذاری بهتر حرکت می‌کنند. هرچند که طبیعتا بخشی ازآنها باز هم زمان تحصیل خود شاغلان محسوب می‌شدند و نمی‌توان این مساله راکنمان کرد، اما اینکه تنها دو هزار و ۳۵۳ نفر ازآنها نتوانستند راهی بازار کار شوند که به معنی سهم ۳۵ درصدی بیکاری در میان آنهاست، رقمی است که نشان می‌دهد دست پرتر درسیدن به بازار کار در اختیار این فارغ‌التحصیلان قرار دارد. اگر این حوزه را از لحاظ گروه‌های تحصیلی بررسی کنیم باید عنوان کرد بیشترین آمار اشتغال به رشته‌های علوم پایه با سهم ۷۰ درصدی برمی‌گردد. بعد ازآن علوم انسانی با سهم ۶۴ درصد قرار گرفته است.

با مهندسی شانس تان برای کار ۴۱ از ۴ درصد است

فنی و مهندسی هاکه‌درک‌خطرپی‌مالی‌معامله‌برای‌تحصیل‌دررشته‌های مرتبط‌بالا به‌صدا درآمده، رتبه سوم اشتغال را در کشور دارد. به‌گونه‌ای که در آن سال از بین ۶۴۴ هزار و ۸۶۸ نفر کمتر از نیمی ازآنها که جمعیتی معادل ۸۹ هزار و ۳۱۲ نفر هستند، توانستند در مشاغل مختلف مشغول به کار شوند که نشان می‌دهد سهم اشتغال در این گروه ۴۱٫۷۴ درصد است.

بهداشتی‌ها بانگاه یونسکو دوم شدند!

با وجود اینکه از جمعیت ۶۸۸ هزار و ۶۷۸ نفری آموخته آن سال تنها ۲۸۴ نفرشان بودند که مدرک‌شان را از طریق تحصیل نسبه حضوری در دانشگاه‌های کشور به دست آورده بودند، ۲۷۳ نفرشان توانستند همان سال برای خود شغلی دست و پا کنند. یعنی ۶۵٫۶۴ درصد آنها شاغل شدند و در مقابل ۲۳۶ درصد هم در زمره جامعه بیکاری قرار گرفتند. پودمانی‌ها هم در رتبه سوم قرار دارند با این توضیح که تنها ۱۲۸ دانش‌آموخته از طریق تحصیل به این شیوه در کشور داشتیم و از این میان ۹۷ نفرشان (۵۲ درصد) شاغل شدند. از سوی دیگر بیشتر از نصف فارغ‌التحصیلان دوره‌های فراگیر در آن سال تحصیلی توانستند برای خود شغل پیدا کنند. یعنی از میان ۱۱ هزار و ۳۶۴ نفر دانش‌آموخته این دوره، پنج هزار و ۹۱۲ نفرشان که رقمی معادل ۵۲٫۰ درصد می‌شود، شانس این را داشتند که بتوانند درآمدی برای خود داشته باشند. طبیعتا این میزان باتوجه به جمعیت دانش‌آموختگان آن به نسبت دوره‌های پودمانی قابل توجه است و می‌تواند یکی از شانس‌های شاغل شدن به شمار رود.

ترسیم راهی متفاوت با عینک یونسکو برای اشتغال فارغ‌التحصیلان

بررسی نسبت اشتغال دانش‌آموختگان با ملاک قرار دادن گروه‌های رشته تحصیلی مورد نظر یونسکو اما شرایط متفاوتی را از این حوزه ترسیم می‌کند. براساس استانداردهای یونسکو، گروه‌های رشته تحصیلی به ۱۰ بخش تقسیم‌بندی می‌شود. فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی که آن سال تعداد‌شان ۳۸ هزار و ۹۹۳ نفر اعلام شده بود در جایگاه اول میزان اشتغال قرار داشتند؛ چراکه از میان آنها ۱۵ هزار و ۷۵۲ نفر یا معادل ۴۰٫۵۴ درصد شان توانستند در بازار کار وارد شوند. البته نمی‌توان این مهم را هم نادیده گرفت که در تمام این آمارها، مشخص نیست چه تعداد از شاغلان در بازار کار مرتبط با رشته تحصیلی‌شان به کار گرفته شده و این موضوعی است که می‌طلبد مسئولان مربوطه گزارش مجزایی درباره آن در رصدهای فرابخشی دوره‌های آتی منتشر کنند.

فقط ۳۵ درصد از خدماتی‌ها شاغل می‌شوند

فارغ‌التحصیلان گروه رشته تحصیلی خدمات علی‌رغم گستردگی رشته‌ها زیرمجموعه آن، اما وضعیت غیرقابل قبولی را در حوزه اشتغال دارند. به طوری‌که از میان ۲۰ هزار و ۱۱۱ نفر که نشان دهنده میل نسبی برای تحصیل در این رشته‌ها از سوی جامعه است، تنها ۷ هزار و ۲۰۶ نفرشان و معادل ۳۵٫۰۹ نفر شاغل شده و در مقابل ۶۴٫۹۱ نفر در آرزوی داشتن شغلی به سر بردند. رشته‌هایی که در دنیای امروز که بر پایه ارائه خدمات پیش می‌رود، می‌توانستند شرایط متفاوت‌تری از آنچه امروز شاهد آن هستیم را رقم بزنند. رشته‌های کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و دامپزشکی هم با وجود اینکه ۱۵ هزار و ۲۲ فارغ‌التحصیل داشته، اما عملا هیچ‌گونه بازار کاری برای آنها وجود نداشته است، به‌طوری‌که از میان آنها تنها ۵ هزار و ۲۴۶ نفرشان که معادل ۳۴٫۹۲ درصد می‌شود، توانستند در این چهاررشته شاغل شوند و عملا ۶۵٫۰۸ درصد آنها با وجود اهمیت این رشته‌ها در تامین امنیت غذایی کشور و حفظ محیط‌زیست، بیکار هستند.

سهم بیش از ۶۰ درصد بیکاری در بین علوم تجربی، ریاضی و آماری‌ها

آن دسته از دانشجویانی که در رشته‌های علوم تجربی، ریاضی و آمار فارغ‌التحصیل شدند که آمارشان به ۲۴ هزار و ۴۸۸ نفر می‌رسد، فقط ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفرشان معادل ۴۵٫۳۴ درصد، آنها به بازار کار رسیده و در مقابل ۱۳ هزار و ۳۸۸ نفر یا به زبان آمار ۵۴٫۶۶ درصد هم بیکار ماندند. طبیعتا چنین آماری نشان دهنده وضعیت بیکاری قابل توجه در میان فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها است. پله دهم بیکاری این بخش هم به فارغ‌التحصیلان علوم انسانی و هنر برمی‌گردد. گروه‌های رشته تحصیلی که از بین ۵۰ هزار و ۶۶۷ نفرشان تنها ۱۵ هزار و ۲۴۰ نفر به بازار کار رسیدند که نشان می‌دهد نسبت شاغلان به فارغ‌التحصیلان در این بخش به ۳۰٫۴۷ رسیده و ۶۹٫۵۳ درصد آنها بیکار مانده‌اند. قطعا این نکته نشان می‌دهد شغل‌های برای فارغ‌التحصیلان این رشته در بدترین حالت اشتغال قرار دارد.

الکترونیکی یا روزانه؛ کدام تضمین‌کننده اشتغال است؟

امروزه دانشجویان امکان انتخاب نوع تحصیل شان را دارند، یعنی این دانشجویست که بنا به شرایطی که در کنکور به دست آورده و شرایط شخصی‌اش می‌تواند انتخاب کند که در دوره روزانه، شبانه، پردیس، فراگیر، پودمانی، نیمه‌حضوری، مشترک بین‌الملل یا الکترونیکی تحصیل کند. اما شاید اشتغال در میان فارغ‌التحصیلانی که از طریق الکترونیکی تحصیل کرده‌اند با سهم ۶۴٫۳۱ درصدی به‌مراتب بیشتر از دانش‌آموختگانی است که مسیرهای دیگری برای تحصیل انتخاب کرده‌اند. رتبه دوم این جایگاه هم به نیمه حضوری‌ها و بعد از آن به پودمانی‌ها می‌رسد. دانش‌آموختگانی که به شیوه فراگیر تحصیل کرده‌اند و آنهایی که از پردیس‌های مختلف دانشگاهی فارغ‌التحصیلی شده‌اند در رتبه‌های چهارم و پنجم قرار دارند. در این میان آنهایی که در زمره فارغ‌التحصیلان مشترک بین‌الملل در پله ششم اشتغال قرار دارند. بعد از آن دانش‌آموختگانی که در دوره‌های روزانه و طبیعتا عمدتا در دانشگاه‌های مطرح کشور تحصیل کرده‌اند، قرار دارند و درنهایت آنهایی که برای تحصیل حاضر به پرداخت شهریه و فراگیری در زمره دانشجویان شبانه هستند، در سکوی آخر قرار گرفته‌اند.

دانشجویان الکترونیکی هدفمندتحصیل می‌کنند

اگر بخواهیم نگاهی دقیق‌تر به این وضعیت داشته باشیم، باید عنوان کرد از جمعیت شش هزار و ۵۲۹ نفری که از طریق الکترونیکی فارغ‌التحصیل شده‌اند از میان آنها چهار هزار و ۳۳۹ نفرشان که معادل ۶۴٫۳۱ درصد می‌شود، به بازار کار رسیده‌اند. اتفاقی که نشان می‌دهد دانشجویان این مقطع با هدف‌گذاری بهتر حرکت می‌کنند. هرچند که طبیعتا بخشی ازآنها باز هم زمان تحصیل خود شاغلان محسوب می‌شدند و نمی‌توان این مساله راکتمان کرد، اما اینکه تنها دو هزار و ۳۵۳ نفر ازآنها نتوانستند راهی بازار کار شوند که به معنی سهم ۳۵ درصدی بیکاری در میان آنهاست، رقمی است که نشان می‌دهد دست پرتر درسیدن به بازار کار در اختیار این فارغ‌التحصیلان قرار دارد. اگر این حوزه را از لحاظ گروه‌های تحصیلی بررسی کنیم باید عنوان کرد بیشترین آمار اشتغال به رشته‌های علوم پایه با سهم ۷۰ درصدی برمی‌گردد. بعد ازآن علوم انسانی با سهم ۶۴ درصد قرار گرفته است.

با وجود اینکه از جمعیت ۶۸۸ هزار و ۶۷۸ نفری آموخته آن سال تنها ۲۸۴ نفرشان بودند که مدرک‌شان را از طریق تحصیل نیمه حضوری در دانشگاه‌های کشور به دست آورده بودند، ۲۷۳ نفرشان توانستند همان سال برای خود شغلی دست و پا کنند. یعنی ۶۵٫۶۴ درصد آنها شاغل شدند و در مقابل ۲۳۶ درصد هم در زمره جامعه بیکاری قرار گرفتند. پودمانی‌ها هم در رتبه سوم قرار دارند با این توضیح که تنها ۱۲۸ دانش‌آموخته از طریق تحصیل به این شیوه در کشور داشتیم و از این میان ۹۷ نفرشان (۵۲ درصد) شاغل شدند. از سوی دیگر بیشتر از نصف فارغ‌التحصیلان دوره‌های فراگیر در آن سال تحصیلی توانستند برای خود شغل پیدا کنند. یعنی از میان ۱۱ هزار و ۳۶۴ نفر دانش‌آموخته این دوره، پنج هزار و ۹۱۲ نفرشان که رقمی معادل ۵۲٫۰ درصد می‌شود، شانس این را داشتند که بتوانند درآمدی برای خود داشته باشند. طبیعتا این میزان باتوجه به جمعیت دانش‌آموختگان آن به نسبت دوره‌های پودمانی قابل توجه است و می‌تواند یکی از شانس‌های شاغل شدن به شمار رود.

نیمی از دانش‌آموختگان پردیس‌ها سرکار نرفتند

چند سالی می‌شود که دانشگاه‌های کشور به‌ویژه مراکز دولتی به سمت راه‌اندازی پردیس حرکت کرده‌اند، پردیس‌هایی که اگر بخواهیم از حواشی موجود بپرهیزیم آنها بگذریم، باید گفت در حوزه اشتغال هم نسبتا قابل قبولی را به خود اختصاص داده‌اند. از میان سه هزار و ۱۷۴ فارغ‌التحصیلی که این نوع تحصیل را برای خود انتخاب کرده‌اند، هزار و ۵۵۸ نفرشان توانستند شغل داشته باشند. یعنی نسبت شاغلان به دانش‌آموختگان در پردیس‌ها به ۴۹٫۰۹ رسید و در مقابل ۵۰٫۹۱ درصد آنها باز هم شغلی نداشته و هزار و ۶۱۶ نفرشان در صف رسیدن به بازار کار ماندند. دانشجویانی که آن سال از طریق دوره‌های مشترک بین‌الملل فارغ‌التحصیل شدند تعدادشان تنها ۲۸ نفر بود که از میان آنها هم ۲۳ نفرشان به معادل ۷۴٫۸۲ درصد از جمعیت می‌شود، شاغل شدند. طبیعتا این آمار رانمی‌توان آمار قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفت؛ چراکه بیکاری ۲۵ نفر از همین جامعه آماری محدود نشان دهنده وضعیت غیرقابل قبول اشتغال در میان آنهاست.

رسیدن به دوره‌های روزانه سخت شاغل شدن سخت‌تر!

تحصیل در دوره‌های روزانه به خصوص در دانشگاه‌های دولتی یکی از آرزوهای دانشجویان فارغ از رشته تحصیلی‌شان به شمار می‌رود؛ صندلی‌هایی که بیشترین میزان رقابت را در کنکور به خود اختصاص داده و رسیدن به آن هم کار چندان راحتی نیست. سختی که به نظر می‌رسد حتی بعد از فارغ‌التحصیلی و این بار برای شاغل شدن ادامه دارد. از میان ۶۷۷ هزار و ۶۳۰ نفری که آن سال از طریق دوره‌های روزانه فارغ‌التحصیل شدند، تنها ۲۷۲ نفر و ۳۷۲ نفرشان که معادل ۴۲٫۷۲ درصد درصد شان می‌شد توانستند شاغل شوند. عملا ۵۷٫۲۸ درصد از آنها که جزء مهم‌ترین دوره‌های تحصیلی در کشور به شمار می‌رود، شغلی برای خود پیدا نکردند. سهم بالای بیکاری در این نوع تحصیل باعث شده تا دوره‌های روزانه ازلحاظ نسبت شاغلان به دانش‌آموختگان در رده هفتم قرار بگیرد. بررسی وضعیت اشتغال در نوع تحصیل روزانه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین سهم مربوط به اشتغال فارغ‌التحصیل مرد است که رتبه‌های بعدی بر یک سهم ۶۴ درصد است، این در حالی است که تعداد مجموع دانش‌آموختگان مرد از زن، نصف بوده است. با این حال آمار خانم‌ها هم در حوزه اشتغال به ۶۰ درصد می‌رسد. بعد از آن بالاترین آمار اشتغال مربوط به دانشجویان پسر گروه علوم انسانی است با سهم ۵۳ درصد است که این آمار با ۱۸ درصد بیشتر از دانش‌آموختگان خانم همین گروه‌هاست. در گروه دامپزشکی و کشاورزی هم جمعیت مشغول به کار آقا دیرابر خانم‌ها بوده، این درحالی است که مجموع دانش‌آموختگان آقا در این حوزه یک‌دهم خانم‌هاست.

بدترین شرایط اشتغال در این بخش هم به فارغ‌التحصیلان دوره شبانه رسیده است. فارغ‌التحصیلانی که از بین ۲۹ هزار و ۲۶۰ نفرشان تنها ۸ هزار و ۷۶۴ نفرشان توانستند به بازار کار برسند. اگر بخواهیم این تعداد را با عینک آمار مورد بررسی قرار دهیم، باید عنوان کرد تنها ۲۹٫۹۵ درصد آنها شاغل و در مقابل ۷۰٫۰۵ درصدشان هم بیکار ماندند. درحالی که دوره‌های شبانه در دانشگاه‌های مطرح کشور، از آنجایی که در زمره شهریه‌پرداز قرار می‌گیرد، طبیعتا هزینه‌هایی را برای دانشجو به همراه خواهد داشت؛ هزینه‌هایی که با توجه به نرخ اشتغال در این بخش می‌تواند شرایط را برای فارغ‌التحصیلان آن سخت‌تر کند.

نسبت اشتغال دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۹۷-۹۶ به تفکیک گروه تحصیلی

نسبت اشتغال دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۹۷-۹۶ به تفکیک زیرنظام‌های آموزش عالی

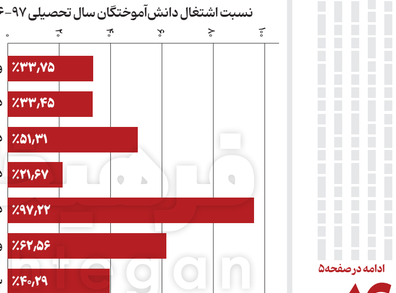

ادامه در صفحه ۵

آمار اشتغال هم به کام پول‌دارهاست

از سهم دو درصدی نسبت اشتغال در میان دهک اول تا سهم ۵۰ درصدی دو دهک آخر این پیام را منتقل می‌کند که اگر در خانواده‌ای متمول به دنیا آمده باشید، تبلیغ خیلی نگران آینده شغلی‌تان نباشید، اما اگر در طبقه کم‌درآمدترین‌ها قرار بگیرید، شانس‌تان برای داشتن درآمد هم کمتر از حد انتظار خواهد بود. اتفاقی قابل تامل که بحث عدالت آموزشی و عدالت اجتماعی را هم تحت‌الشعاع زیر سوال می‌برد.

اشتغال فارغ‌التحصیلان: دهک اول ۲ درصد

از سهم اندک حدود ۲۸۳ نفری فارغ‌التحصیلان در دهک اول که بگذریم، باید عنوان کرد تنها ۳۱ نفرشان که معادل دو درصد می‌شود، توانستند بعد از فارغ‌التحصیل در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ به بازار کار برسند. نیروهای کاری که تعدادشان حتی به ۵۰ نفر هم نمی‌رسد و در این میان نباید این نکته را هم نادیده گرفت که تحصیل فرزندان برای این دهک درآمدی حتی اگر در دانشگاه‌های روزانه هم باشد، طبیعتا به معنی تحمیل فشار مالی مضاعف به آنها خواهد بود. نسبت اشتغال به فارغ‌التحصیل در دهک دوم هم به ۱۰ درصد نمی‌رسد؛ هرچند تعداد فارغ‌التحصیلان در این دهک رشد چشمگیری به نسبت دهک اول داشته و هشت هزار و ۳۶۹ نفر توانستند در رشته‌ها و زیرگروه‌های آموزشی مختلف فارغ‌التحصیل شوند، اما از میان آنها ۵۸۷ نفر یا به عبارت دیگر هفت درصدشان شاغل شده‌اند. سهم اندکی که نشان از بیکار ماندن ۹۳ درصد از جمعیت دانش‌آموختگان مرتبط با این دهک دارد. بالاخره میزان فارغ‌التحصیلان و البته تعداد شاغلان از دهک سوم به بعد دوقدمی می‌شود، یعنی در بهره زمانی مدنظر این گزارش، ۱۶ هزار و ۷۸۹ نفر از این دهک فارغ‌التحصیل شده و از این میان دو هزار و ۸۹۷ نفر هم شاغل شدند. رقمی که معنایش آن است نسبت اشتغال در این دهک به ۱۶ درصد می‌رسد و ۸۴ درصد آنها در جامعه بیکاری تعریف می‌شوند. سهم ۱۷٫۴۶ هزار و ۱۶۲ نفر از فارغ‌التحصیلانی که از لحاظ درآمدی در زمره دهک سوم قرار می‌گیرند هم باز نتوانستند راهی برای داشتن درآمد ثابت پیدا کنند.

میانگین اشتغال ۴ دهک اول ۱۲ درصد

از دهک چهارم به بعد شکل و شمایل جدی‌تری به خود می‌گیرد، یعنی از میان ۳۸ هزار و ۳۰ فارغ‌التحصیل، شش هزار و ۶۸۸ نفرشان راهی بازار کار شدند. تعدادی که معنایش نسبت ۲۴ درصدی شاغلان در این دهک است. هرچند این میزان در مقایسه با سه دهک اول شرایط خوبی دارد، اما اگر به سهم بیکاری ۷۶ درصدی در میان فارغ‌التحصیلان همین دهک نگاه کنیم، باید عنوان کرد میانگین نسبت اشتغال در ۴ دهک اول ۱۲ درص